

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۴ دی ماه ۱۳۹۱ * (۲۶ شعبان ۱۳۵۱)

فهرست مذاکرات

- | | |
|---|--|
| ۱) تصویب صورت مجلس | ۶) تصویب عهدنامه مودت بین ایران و استونی |
| ۲) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای رئیس کل صناعت و فلاحات | ۷) شور و تصویب لایحه تسعیر جنس |
| ۳) تقدیم سه فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه | ۸) شور اول لایحه الحاق ایران بقراردادین المللی منع استعمال کوکورد سفید |
| ۴) شور اول عهدنامه مودت و تأمینیه بین ایران و ترکیه | ۹) شور دوم لایحه اوزان و مقادیر |
| ۵) شور اول عهدنامه مودت بین ایران و فنلاند | ۱۰) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

مجلس یکساعت و ربع قبل از ظهر برهست آقای دادگر تشکیل کردند

صورت مجلس پنجشنبه اول دیماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - آقای دولتشاهی .

ملک مدنی (رئیس کمیسیون) - در کمیسیون تصویب شده اصلاح میکنند

رئیس - در صورت مجلس دیگر نظری نیست (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد . قبل از اینکه بکارها شروع کنیم بنده توجه آقایان را جلب میکنم که بیش از بیست و دو سه روز از دوره تقنینیه باقی نمانده رویه آقایان هم همیشه اینطور بوده که هر وقت کارهایی بوده است با کمال مراقبت و دقت انجام میشده است و باز یادآوری میکنم

محمدعلی میرزادولتشاهی - در صورت مجلس آقای حسنعلی میرزا دولتشاهی را غائب بی اجازه نوشته بودند در صورتیکه ایشان مریض بودند و تقاضای مرخصی را خود بنده کردم خوب است مقرر فرمائید اصلاح شود
رئیس - اصلاح میکنیم کمیسیون عریض و مرخصی نبوده است بعد دقت میکنند و اصلاح میشود .

* * * عین مذاکرات مشروح یکصد و بیست و یکمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : آشتیانی - طباطبائی و کیلی - میرزا محمدخان وکیل - بنکدار - موثر - آقا زاده سبزواری
غائبین بی اجازه - آقایان : تیمورتاش - حاج محمد رضا بهبهانی - میرزا حسین خان افشار - دکتر امیراعلم - اسکندری - صادقخان اکبر
مرتضی قلیخون بیات - حسنعلی میرزا دولتشاهی - صفاری - رهنما - عبدالحسین خان دیبا - بیات ماکور - حکمت - قوام
حاج غلامحسین ملک
دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : میرزا سید مهدیخان قاضی - ایقوانی - افخمی - احتشامزاده - مسعودی خراسانی - هراز
نواب یزدی - آفاسیدکظم یزدی - شریفی - مسعودنابتی .

که آقایان مراجعه فرمایند بتابلو ما برای رأی گرفتن ۸۴ رأی لازم داریم رفقا درموقع بیرون رفتن و آمدن رعایت این عده را بکنند که ما از کار بازمانیم (صحیح است) آقای فرخ

[۲- تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای رئیس کل صناعت و فلاحات]

فرخ (رئیس کل صناعت و فلاحات) - يك لایحه است راجع بشیلات جنوب یعنی برای بهره برداری شیلات جنوب و يك لایحه هم راجع است به سه فقره قروض که وزارت اقتصاد سابق داشته است و لایحه اش تهیه شده است و پرداختش منوط برآی مجلس شورای ملی است بمقام منبع ریاست تقدیم می شود

[۳- تقدیم سه فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه]

رئیس - آقای وزیر مالیه فرمایشی هست .

وزیر مالیه (آقای تقی زاده) - بنده سه فقره لایحه دارم

یعنی دو فقره لایحه مربوط بوزارت مالیه و یکی مربوط بوزارت پست و تلگراف است که بنده بنیابت از طرف آقای وزیر پست و تلگراف میخواهم تقدیم کنم یکی همان لایحه است که اکثر آقایان منتظر هستند که لایحه راجع بمسئله تسعیر جنس است (افسر - صحیح است) در بعضی ولایات خیلی از این بابت بی تکلیف هستند و در اینجا تقاضای دو فوریت هم کرده ام (کلالی - خیلی متشکریم) و گمان میکنم اشکالی هم نداشته باشد. لایحه دیگر باز راجع بیک کار خیلی خوب و مطابق صلاح و سیاست مملکت است و آن این است که همان کاری که در لرستان شده در آذربایجان نسبت بشاهسونها بشود مراعات شاهسون را دولت اختیار میخواید که دوباره واگذار بخودشان بکند (صحیح است) لایحه دیگر راجع بوزارت پست و تلگراف است نظیر چندتا لایحه که اخیراً برای چندتا وزارتخانه ها پیش آمده بعضی اعتبارات بودجه شان مضیق دارد و تمام شده است و در بعضی دیگر خیلی دست دارد که احتمال صرفه جویی می رود میخواهم انتقال بهمیدر بدهیم اگر آقایان قبول فرمایند تقاضا میکنم زودتر بگذرد

[۴- شور اول عهدنامه مودت و تأمینیه بین ایران و ترکیه]

رئیس - عهدنامه مودت و تأمینیه بین دولت ایران و

ترکیه مطرح است. خبر کمیسیون امور خارجه در این خصوص:

خبر کمیسیون:

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۲۹ آذر ۱۳۱۱ با حضور آقای وزیر امور خارجه لایحه نمره ۳۴۳۹۸ دولت راجع بدو فقره عهدنامه و دادیه و تأمینیه بین دولتین ایران و ترکیه را مورد شور و مطالعه قرارداد و عین ماده واحده پیشنهادی دولت را تصویب نموده اینک خبر آنرا برای شور اول تقدیم مینماید.

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه های منعقد شده بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری ترکیه را که یکی مشتمل بر چهار ماده و دیگری مشتمل بر هشت ماده است و هر دو در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۱۱ مطابق بنجم نوامبر ۱۹۳۲ در آنکارا بامضا رسیده تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آنها را بدولت میدهد.

رئیس - عهدنامه مودت مطرح است. اعتراضی نرسیده است رأی میگیریم بورود در شور مواد آقایانیکه با ورود در شور مواد موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. در ماده اول اعتراضی نرسیده است در ماده دوم و سوم و چهارم اعتراض نرسیده است رأی میگیریم بورود در شور دوم موافقین با ورود در شور دوم قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. عهدنامه تأمینیه بین دولتین ایران و ترکیه مطرح است. اشکالی نیست (گفته شد خبر) رأی میگیریم بورود در شور مواد موافقین ورود در شور مواد قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. در ماده اول دوم سوم چهارم پنجم ششم هفتم هشتم هیچگونه اعتراضی نرسیده است آقایانیکه با ورود در شور دوم موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان برخاستند) تصویب شد.

[۵- شور اول عهدنامه مودت بین ایران و فنلاند]

رئیس - خبر کمیسیون امور خارجه راجع بعهدنامه بین

دولتین ایران و فنلاند مطرح است:

خبر کمیسیون:

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۲۹ آذر ۱۳۱۱ لایحه نمره ۹۹۵۱ دولت راجع بعهدنامه مودت بین دولتین ایران و فنلاند را با حضور آقای وزیر امور خارجه مورد شور قرار داده و ماده واحده ذیل را تصویب نموده اینک خبر آنرا برای شور اول تقدیم مینماید.

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری فنلاند را که در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۱۰ مطابق با ۱۲ دسامبر ۱۹۳۱ در مسکو بامضا رسیده و مشتمل بر پنج ماده و یک پرتکل اختتامیه است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آنرا بدولت میدهد.

رئیس - شور اول است. عهدنامه ایران و فنلاند مطرح است. در کلیات اشکالی نیست (گفتند - خیر) آقایانیکه موافقت با ورود مواد دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. در مواد یک و دو سه و چهار و پنج و پرتکل اختتامیه هیچکدام اعتراضی نرسیده است. آقایانیکه با ورود در شور دوم موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند). تصویب شد

[۶- تصویب عهدنامه مودت بین ایران و استونی]

رئیس - عهدنامه بین دولتین ایران و استونی مطرح است شور دوم است خبر کمیسیون خارجه در این خصوص: خبر کمیسیون:

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۲۹ آذر ۱۳۱۱ لایحه نمره ۱۳۶۲۹ دولت راجع بعهدنامه مودت بین دولتین ایران و استونی را برای شور ثانی با حضور آقای وزیر امور خارجه مطرح نموده و چون اعتراضی در موقع شور اول نرسیده بود لذا کمیسیون خبر اولیه را عیناً تأیید نموده و اینک عین آنرا برای تصویب تقدیم مینماید

رئیس - عین ماده واحده پیشنهادی کمیسیون در این خصوص:

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری استونی را که

در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۱۰ مطابق سوم اکتبر ۱۹۳۱ در مسکو بامضا رسیده و مشتمل بر پنج ماده و یک پرتکل اختتامیه است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آنرا بدولت میدهد

رئیس - شور ثانی است. اشکالی نیست (گفته شد خیر) در مواد یک دو سه چهار و پنج اعتراضی نیست در کلیات ثانی هم اعتراضی نیست ماده واحده را یکبار دیگر میخوانیم و رأی میگیریم:

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری استونی را که در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۱۰ مطابق سوم اکتبر ۱۹۳۱ در مسکو بامضا رسیده و مشتمل بر پنج ماده و یک پرتکل اختتامیه است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آنرا بدولت میدهد

رئیس - آقایانیکه با ماده واحده موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد

[۷- شور و تصویب لایحه تسعیر جنس]

رئیس - از طرف جمعی از آقایان نمایندگان پیشنهاد شده است که لایحه متعلق بتسعیر جنس مقدم باشد (صحیح است) این است که قرائت می شود:

ساحت محترم مجلس شورای ملی

چون نرخ جنس مخصوصاً برنج در بعضی ولایات شمالی بی اندازه تنزل کرده و دریافت قیمت جنس مالیاتی برخهای مصوبه کمیسیونها بر طبق قانون متمم قانون میزب تحمیل فوق العاده بر مؤدبان است و این ترتیب چنانکه در سال گذشته در تمام مملکت جاری بود ممکن است اغلب سنوات نظیر بیدا کند لذا ماده واحده ذیل را بقید دو فوریت پیشنهاد و تصویب آنرا تقاضا مینماید:

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است که مالیات جنسی نقاطی را که بر طبق ماده اول قانون متمم قانون میزب مصوبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ تبدیل بنقدی نموده است بر ترتیب مقرر در قانون مذکور تا آخر سال ۱۳۱۲ تبدیل بنقدی نماید و نیز مجاز است در مواردی که نرخ متوسط عادلانه جنس در ماه سوم بعد از برداشت محصول یک خمس یا بیشتر از نرخ هائی که مطابق قانون مذکور در فوق

و یا این قانون بوسیله کمیسیونها تعیین شده یا خواهد شد ترقی یا تنزل نماید جنس مالیاتی را نرخ متوسط عادلانه در ماه سوم بعد از برداشت محصول تسعیر و تقدی دریافت نماید قسمتی از ماده اول قانون متمم قانون میزری و تبصره یک ماده مزبوره که مربوط باین قانون است از تاریخ تصویب این قانون ملغی خواهد بود

رئیس - فوریت مطرح است. آقای افسر در فوریت فرمایشی دارید؟

افسر - در فوریت موافقم.

رئیس - آقای جمشیدی در فوریت حرف دارید.

جمشیدی - موافقم.

رئیس - آقایانیکه در فوریت لایحه موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. فوریت نای مطرح است. در اهرم اشکالی نیست. آقایانیکه با فوریت ثانی لایحه موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده واحده مطرح است. آقای افسر.

افسر - بمناسبت اینکه از مدتی باینطرف همیشه جنسها ترقی کرده بود و مالیات جنسی تسعیر قدیم که پنج تومان یا بیشتر بود حقیقتاً آنطوری که لازم بود برفع دولت نبود بمناسبت کمی بودجه و اصلاحاتی که در بودجه لازم بود البته از طرف دولت آمدند و قانون ۱۳۰۹ را گذراندند راجع بمیزی که جنسها را تبدیل بنقدی کنند البته از مدنظر دولت خیلی خوب بود بخصوص که زحمت انبار نگاهداشتن و شیشه خوردن و ارزان فروختن جلوگیری شد و قد میگرفتند ولی بعد از اینکه کمیسیونها معین شد و مطابق نرخ سنوات پنجسال قبل که تعیین کردند مطابق این نرخ در این سه سال در بعضی جاها از دو برابر و دو برابرو نیم و گمان میکنم بعضی جاها سه برابر یعنی بیش بینی که کرده اند همه جا از خمس بیشتر است و بعضی جاها خمس بیش می آید ولی آن

طور که دولت احساس کرده بود این مطلب را وشکایات مردم از ایالات و ولایات رسیده بود این باید یکی از دو قسم شود والا باز هر روز اسباب دردسر است یا اینکه معین کنند که ماه دوم، سوم هر ماهی که میخواهند نرخ همانوقت تسعیر کنند ماه سوم خرمن بعد از برداشت محصول معین میکنیم بسیار خوب باید بنویسند که وزارت مالیه مجاز است نرخ ماه سوم تسعیر کند و از مؤدیان بگیرد اما این قسمت ها که باز از يك خمس کمتر است یا بیشتر است برود بکمیسیون و معین کنند غیر از اسباب دردسر فراهم کردن و معطای مردم فایده دیگری ندارد چه فرق میکند چه از خمس کمتر چه بیشتر اساساً مقصود این بود که جنس نگاه ندارند که در انبار معطل شود شیشه نخورد عیب نکند و پولی هم بگیرند تقدی بنویسند در ماده سوم چهارم هر ماه که صلاح میداند معین کنند که نرخ عادلانه بادقت آنرا تقد کنند و روی مالیات قدی پندازند و با قسطا تقد بگیرند والا این همان معایبی که داشت دارد و آن مقصودی که داشتیم کاملاً تأمین نشده و بنظر بنده اگر آقای وزیر مالیه توجه بعرض بنده بکنند ضرری متوجه دولت نخواهد بود و این بیچ و خم هائی که پیدا می شود که از مدنظر قانون گذاری بنظرمان خیلی آسان می آید بعد که بولایات می رود يك تعبیرها و تفسیر هائی میکنند که خیلی اسباب زحمت است در بین نخواهد بود همین قسمت جنس را بنده در خراسان که بودم در وقتیکه کمیسیونها بود بواسطه داشتن دفاتر چون دارنده جنس علافها بودند نه دفتر داشتند و نه ترتیب دیگری اینقدر مختلف میگفتند که کمیسیون و پیشکار مالیه همه معطل میماندند که چه جور درست کنند بنظر بنده اگر این مقصود را پیش بینی فرمایند هم موجب آسایش عمومی است و هم هیچ ضرری بدولت نمیخورد و بهتر است.

وزیر مالیه - اینملاحظه که آقای افسر ابراز فرمودند بدبختانه تصور میکنم نقض غرض خودشان باشد درست عکس و تقیض آن منظوری که از سهل و ساده کردن است نتیجه میدهد همانطور هم اول مطالعه شده بود و مذاکره شده بود در کار ولی ملاحظه فرمایند اینکه کمیسیون آمد و

نرخ معین کرد اول برای چه بود برای اینکه هر سال مسئله تسعیر پیش نیاید در آنچه که کمیسیون معین کرده بود همه جور ملاحظات و دقتها و نمایندگی بلدی و معتمدین محل و اینها شده بود و يك چیزی درست کرده بودند اینکار هم عیبی نداشت و هیچ شکایتی هم ازش نشده بود الا در آن مواردی که قیمت تنزل فاحش کرد و از قیمت کمیسیون پائین تر افتاده بود اگر امسال در همه ایران فرض فرمائید امسال یا هر سال دیگر نرخها از نرخ کمیسیون بالاتر بود هیچ شکایتی نبود (افسر - صحیح است) بالاترش را البته بنده میدانم شکایت نبود اگر معادل نرخ کمیسیون هم بود هیچ شکایت نبود فقط اتفاق میافتد در بعضی ولایات که از نرخ کمیسیون تنزل میکند و پائین می آید آنوقت شکایت میکنند اگر بخواهیم سهل و ساده يك قاعده کلی در نظر بگیریم باید حتی الامکان تسعیر کمیسیون را ملحوظ بداریم و يك راهی باز کنیم برای مردم که در مواقعی که با نرخ کمیسیون تفاوت فاحش دارد مقید نباشند که اگر کمیسیون خرواری شش تومان گفتند خرواری دو تومان هم باشد همان شش تومان را بدهند همین را میخواهیم رفع کنیم غیر از این منظوری نداریم این است که بنظر آمد که بعضی از ولایات همان پارسال پیرارسال که معین شده بود با نرخ کمیسیون مطابق می آید پارسال هم مطابق آمد امسال هم مطابق آمده و احتمال میدهم که چهار سال پنجسال دیگر هم مطابق بیاید و خودش میاید مطابق قانون قدیم میدهد چرا دوباره امور مملکت را از اول تا آخر نسخ و فسخ بکنند و دوباره در تمام مملکت هر سال یا کمیسیون برپا کنند یا هر سال امور مالیه هر چه معین میکند بدهند این را ملاحظه نکنید آجگاهی که عیب و علتی پیدا می شود بواسطه ترقی و تنزل فاحش در آن مورد ماه سوم نرخ معین کنند ولی باقیش اگر در جریان خودش کار خودش را میکند یعنی قانون سابق جاری است قانون سابق را چرا بهم بزنتد بهم زدند این معنایش این می شود که هر سال در تمام مملکت در تمام نقاط کل و جزء مملکت باید نرخ معین کنند بر میگرددیم بتسعیر سابق بسیار اسباب زحمت است چون این برخلاف نرخ

- رئیس** - آقای جمشیدی.
- جمشیدی** - بنده موافقم.
- رئیس** - آقای دکتر سنک.
- دکتر سنک** - موافقم.
- رئیس** - آقای هزار جریبی.
- هزار جریبی** - عرضی ندارم.
- رئیس** - آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - بنده کاملاً با این لایحه موافقم لیکن يك توضیحی میخواستم يك سوء تعبیری برای من شده خواهش میکنم آقای وزیر مالیه درست بعرض بنده توجه فرمایند يك توضیحی فرمایند که رفع این سوء تفاهم بشود بنده خاطره است وقتی قانون میزری میگذاشت همین حرف زده شد در مجلس که ممکن است نرخهای جنس ترقی و تنزل کند آنوقت نظری که دولت دارد که يك مالیات ثابتی روی ملک گذارده شود آن نظر باز ممکن نمیشود وقتی تنزل کرد و بهتر این است که يك ترتیب ثابتی در این خصوص داده شود از این قانون بنده اینطور فهمیدم و عبارت طوری بود که برای بنده يك سوء تفاهمی آورد که به آقای جمشیدی هم عرض کردم که خوب است آقای وزیر مالیه يك توضیحی در این قسمت بدهند وزارت مالیه مجاز است که مالیات جنسی تقاطی را که بر طبق ماده اول قانون متمم قانون میزری مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ تبدیل بنقدی نموده است، یعنی آجگاهی

که تا این تاریخ تبدیل بنقدی شده مشمول این قانون نمی‌شود؟ (دکتر طاهری - چرا بعدش دارد) این بود که میخواستم توضیح بفرمایند «بترتیب مقرر در قانون مذکور تا آخر سال ۱۳۱۲ تبدیل بنقدی نماید پس آنجاها که تبدیل بنقدی نشده است آنوقت اگر این «و نیز» بکلیه بخورد رفع سوء قاهم بنده می‌شود ولی اگر باین جمله آخر بخورد باید رفع سوء قاهم بشود و بفرمایند که بکلیه میخورد

وزیر مالیه - مسلماً «و نیز» راجع بهمه اش است اینجا در واقع دو مطلب است عوض اینکه دو ماده بکنند يك ماده کرده‌اند درحقیقت دو جمله جداگانه در يك ماده واحده گنجانده‌اند اصل مطلب قسمت دوم است مطلب دوم این بوده که هرگاه ترقی یا تنزل بکند از خمس بیشتر باشد دولت آنرا تسعیر بکند مطابق نرخ عادلانه بازار نه مطابق نرخ کمیسیون. این يك مطلب مطلب دیگر هم ضمناً در این مدت آزمایش دولت تجربه حاصل کرده است و نظرشان موافق شد آن چند نقطه که در آنجا تبدیل بنقدی نشده بود آنجا راهم تبدیل بنقدی بکنند منتهی ممکن است که يك لفظ «و نیز» با چیز دیگر هم در آن جمله اول اضافه بفرمایند که آنجاها هم که تبدیل بنموده آنها راهم تبدیل بفرمایند یعنی مجاز است تمام آنها را کلیه آنها که قدیم تبدیل بنقدی شده یا بعد از این تبدیل بنقدی می‌شود کلیه را بدان ترتیب که گفتیم اگر از يك خمس کمتر یا بیشتر باشد تسعیر کند

رئیس - آقای وثوق .

وثوق - عرضی ندارم .

رئیس - آقای افسر .

افسر - راجع ناشکالی که اول بنظر بنده رسید بعد از توضیحاتی که آقای وزیر مالیه دادند بنده قانع شدم بنده چون چاپ شده ماده را ندیدم و دستم نبود وقتی که خواندند درست ملتفت نشدم و دیدم مقرون باوضاع و احوال خواهد بود این بود که باین قسمت اشکال کردم و بعد از آنکه گفتند موافق شدم و اما اشکال سر این بود که خواستم بدانم که از این قانون تا تعیین نرخ ممکن است جریمه برشان تعلق بگیرد این قانون را که

موقوف می‌شود ترتیب سرخرمن موقوف می‌شود خودش بیاورد بدهد اگر خودش بیاورد بدهد آن حکمت قانون از بین میرود لذا اگر دولت گفت و کمیسیون که قانوناً صحیح است البته نمیگیریم ولی اگر خودشان بیاورند بدهند البته جریمه دارند

رئیس - آقای دیبا .

طباطبائی دیبا - همان ترتیبی که آقای وزیر مالیه فرمودند حقیقتاً نمایندگان ولایات شمالی ملتفت شدند لایحه خوبی هم هست اشکالی هم نیست فایده هم دارد ولی بنده بدو اجازه خواستم بودم راجع باین مسئله جریمه توضیحی که آقای وزیر مالیه دادند بنده عقیده‌ام این است در این قانون که امروز اصلاح می‌شود اگر مسئله جریمه تصحیح ننمود بعد اسباب زحمت می‌شود و بنده يك تذکری داشتم راجع بجریمه سابقاً هم عرض کردم حقیقتاً مسئله جریمه که موافق قانون نقدی گرفته می‌شود این در بعضی جاها خیلی اسباب زحمت مردم می‌شود البته بدیهی است غالب ملاکین و عموم رعایا از قانون مطلع نمی‌شوند و در وقت مقرر ممکن است که اقساط خودشان را بنأخیر بیندازند و همین که قسط تأخیر پیدا کرد فوراً جریمه تعلق می‌گیرد و جریمه راهم مأمورین مالیه می‌گیرند عقیده بنده این است که در اول ارسال یاد در موقع مناسبی از طرف وزارت مالیه امر شود به امضای مالیه که در هر جا قبلاً يك اعلانی تهیه بکنند و آن اعلان طبع و توزیع بشود و مابین عموم رعایا و بین عموم ملاکین منتشر کنند که آنها را نسبت بوظیفه خودشان آشنا بکنند که در فلان موقع مقرر فلان قسط مالیات را اگر ندهید فلاقدر جریمه تعلق می‌گیرد والا اگر این اعلان را نکند رعایا مطلع نیستند غالباً و اسباب زحمتشان است و امضای مالیه هم می‌فرستند فوراً در آن ورقه که هست يك خط قرمزی کشیده می‌شود و جریمه را از شان می‌گیرند و اسباب زحمتشان می‌شود

وزیر مالیه - بنده حقیقتش آن چیزی که فرمودند ملتفت شدم اما نمیدانم که اگر این کار را نکنند چکار کنند (طباطبائی دیبا - گفتم اعلان کنند) برای جریمه ما که هر سال در هر محلی در هر نقطه يك قسط بندی که نمی‌کنیم

امسال که دولت نمیگوید از اول شهریور ماه می‌گیرد در شش قسط و سال آینده از اول مهر ماه اگر اینطور باشد باید اعلان بکنند این برای سهولت و آسانی در کار مردم قرار شده که يك مرتبه دولت معین کند که فرض بفرمائید در اردکان از این وقت شش قسط گرفته می‌شود آنها مثلاً از اول مهر ماه این را هم تمام مردم میداند و این مکرر بحث شده که آنجاها که مردم خودشان باید رعایت قانون را بکنند بصره دولت و مملکت آنجا می‌گویند مردم نمیدانند اما ما اعلان کردیم که مستمرات را باز خرید می‌کنیم از کرمان هم میرسد از همه جای ایران می‌رسد باید قانون را بدانند مردم باید یاد بگیرند و باید مراقب باشند مؤدیان مالیاتی و این چیزهایی که برقرار می‌شود بصره خود مردم است همیشه می‌گفتند که مأمور مالیه می‌رود در ده می‌نشیند و خرج می‌خواهد چه می‌خواهد این کار را برای این کرده‌اند که خودش بیاورد بدهد حالا وقتی که باید بیاورد بدهد گمان می‌کند اولاً بدون جریمه هیچ راهی برای وصول مالیات نیست و الا بکلی باید قانون را ملغی کرد و ثانیاً تمام حکمت این قانون در جریمه است جریمه برای این است که اگر موقعش گذشت و بیاورد و نداد والا اگر قسطش را داد جریمه تعلق نمی‌گیرد و اگر بروند هی اعلان بکنند این فایده ندارد خود آقا هم متوجه هستند که مردم خرده مالک و زارع آن چیزی که باید بدهد از همان چیزی است که دارد و اگر آن چیزی که دارد بفرشد و خرج کند بعد مأمورین مالیه که بروند از او چیزی نمیتوانند وصول کنند این وقتی که موقع بگذرد و دو ماه و سه ماه می‌صبر کنند که انشاء الله می‌آورم و میدهم آخرش هم بیاورد آنوقت به آن ماده دیگر که اسبابش را حراج بکنند میکشد و آن بصره خودش نیست و هیچ اعلانی بهتر از يك مرتبه جریمه گرفتن نیست که برای همیشه میداند که باید در موقع بیاورد و بدهد ولی آن چیزی که آقای افسر فرمودند البته آن منطقی است و بنده قبول دارم الا آن هم توضیح میدهم یا می‌خواهید بنویسید که اگر بعد از این حالا که می‌رویم تعیین کنیم نرخ را اولاً در يك ماه می‌شود معین کرد اما اگر طول کشید البته نباید جریمه

گرفته شود (افسر - در فاصله این قانون تا اخطار مالیه)

رئیس - آقای جمشیدی

جمشیدی - عرض کنم مالیات مازندران از شهریور باین طرف اقساطش شروع می شود و تا بحال چهار قسط میگذرد و هر قسطی که تأخیر افتاده مالیات جریمه راهم گرفته اند مقصود ما این است حالا که ترتیب مالیات این طور پیش آمده که در این لایحه ذکر شده این جرائمی که راجع به این سه چهار برج گرفته شده است این را هم از بابت مالیات هذالسنه محسوب بدانند مقصود ما راجع به این قسمت است میخواستیم این را استدعا کنیم در این لایحه بکنجاستد که در موقع عمل دچار اشکال نشوند

وزیر مالیه - این را بنده تصور میکنم قبلاً جوابش را عرض کرده اینها که از اول شهریور بایستی مالیات بدهند باید قسط اول و دوم مالیات خودشان را بدهند یعنی با انتظار این که قانونی می آید باید قسط مالیاتش را بدهند (جمشیدی - مالیات و جریمه هر دو را داده اند) همیشه به آنها گفته شد که البته دولت در این خیال است و باید يك فکری هم بکند و در همان حال هم معلوم بود که از قسط آخرشان کم میگذارند (کلالی - جنسشان فروخته نشده بود آنوقت) اگر بنا باشد پنج قسط را بگیرند اگر بنا شود تخفیف داده شود قسط ششم را نیگیرند یا بنا شود سه قسط را بگیرند از چهارم نیگیرند و این که فرمودند جنسشان فروش نرفته خوب شد فرمودند که حالا جوابش را عرض کنم این که تبدیل بقندی میکنند برای همین است که مربوط به جنس نباشد یعنی وقتی که گفتند فلاقتدر مالیات دارند آنوقت چه جنس باشد چه نباشد مالیاتش را میگیرند مطابق رأی کمیسیون وقتی که تبدیل به قندی شد اول قسطش که رسید باید قسطش را بدهد شکایت هم ممکن است بکند که مالیات سنگین است شکایت هم کرده اند و رسیدگی شده حالا اگر بنا باشد کسی قسط اول را نداده باشد تأخیر کرده باشد و جریمه از او گرفته باشند این را نمی شود کاری کرد برای این که از قسط اول شروع کرده است به ندادن این معلوم است که جریمه باو تعلق میگیرد و حالا برای این سه قسط آخر همانطور که فرمودند از شهریور شروع میشود

اگر مطابق این قانون تخفیف داده شود گرفته نمی شود

رئیس - آقای کلالی

امیر تیمور کلالی - موقعیکه بنده اجاره خواستم همان نظر آقای جمشیدی را میخواستم تذکر بدهم و میخواستم حضور آقای وزیر مالیه عرض کنم که موقعی که ما قانون بیزی را گذرانیم بنده خودم یکی از موافقین تبدیل جنس به قد بودم که همساله زحمت تحصیلدار و مطالبه جنس و انبارداری از بین برود ولی چیزی که هست این سالها جنس بواسطه تنزل فوق العاده ابداء فروش نرفته است در غالب نقاط خراسان در نقاط سرحدی خراسان بیچوجه من الوجوه جنس فروش نرفته حتی نقاطی هست که جنس در خرواری سه تومان و چهار تومان هم فروش نرفته و خریداری پیدا نکرده و الا آن هم اگر مشتری باشد بنده حاضریم از طرف تمام آن گندم دارها و رعایا که در سه تومان و چهار تومان معامله قطعی بکنم خراب این اشخاص باید جنسشان را بفروشند که بتوانند تهیه نقد بکنند و تهیه پول بکنند و چون جنس فروش نرفته است او باید يك ارفاقی در حقتش بشود که جنس را بفروشد و مالیات را بدهد و حالا که حقیقتاً آقای وزیر مالیه يك نظر ارفاقی دارند و این قانون راهم برای همین منظور آورده اند بنده هم همان نظر آقای جمشیدی را دارم که از جرائمی که امسال مأخوذ شده یا می شود صرف نظر بشود و آن جرائم از بابت مالیاتشان حساب شود این هم برای ارفاق است

وزیر مالیه - مکرر عرض کردم که در ضمن يك ارفاقی و يك تخفیفی که پیدا می شود يك چیزهای دیگر هم پیدا می شود و يك تقاضاهائی می شود که باصل مطلب خلل وارد می آورد و این نکته که الا آن در ضمن فرمایشاتان فرمودید که باید جنسش را بفروشد و بدهد این نظر اصلاً اصل مالیات را از بین می برد ما ابداء مالیات را مربوط به جنس نکردیم اگر این اصل مسلم شود که هر کس که مالیات باید بدهد جنسش را باید بفروشد این شخص هر وقت که مامور مالیه برود میگوید آقا این جنس من در انبار است (کلالی - آقا پس پول از

کجا بیاورد؟) خوب این را باید آنوقت بفرمائید که قانون را باید نسخ کنیم و این قانون که نسخ نمیکنند آن قانون را قانونی آورده شد که جنس داده نشود و نقد داده شود يك قانونی هم هست که مردم نقد فروش هم مالیات میدهند اگر جنسی باشد هر وقت که بروند میگویند دیروز بیست و پنج تا کله قد بود حالا هم بیست و پنج تا است اگر این طور باشد اساس مالیات ملک از بین می رود ما خواستیم این حکایت علافی از وزارت مالیه از بین برود این ترتیب جنسی را اگر پنج شش سال بگیرند طوری فراموش می شود که دوباره اگر بیاوند و بگویند مالیات جو و گندم را بدهید میگویند جو و گندم مالیات ندارد این يك مالیاتی است که باید بدهد یکسال زیاد دارد یکسال نقصان دارد این يك مالیاتی است که به قسط ازش میگیرند مثلاً از اول شهریور ازش میگیرند حالا فرض بفرمائید يك کسی هم در فروردین وارد بیست گندم زیادی فروخت ما که نمی آئیم بگوئیم بابت مالیات بنده همان را نگاه بدارد اول شهریور بابت جنس آتیه بدهد اما بابت جنس نیست اگر قرار گذاشتند اول شهریور مالیات را بدهند باید بدهند حالا این مطلب را فرض بفرمائید در مازندران واقعاً جنس خیلی تنزل کرده بود اگر بنا بر این باشد که اساساً يك جماعتی که يك تکلیفی را دارند مطابق يك قانونی بامید این که يك قانونی بعد خواهد آمد تکلیف قانونی خودشان را انجام ندهند و مالیات را ندهند آنوقت چه تکلیفی پیدا میکند هر سال يك کسی میگوید امسال ما نداریم نمی شود فقط در يك مورد استثنائی که آقا میفرمایند يك جائی نرخ کمیسیون ده تومان بوده و گندم یا برنج آن جا سه تومان شده فرض بفرمائید از نصف هم کمتر شده يك ثلث شده که حتی از قسط اول و دوم هم بهشان ضرر خورده است این را بنده حرفی ندارم يك همچو موردی را ممکن است قید کنند که تخفیف داده شود ولی ما همچو چیزی که در این جا نوشته ایم يك خمس نوشته شده اگر بخواهیم بایک خمس تفاوت هم جریمه را بگیرند این صحبت مازندران نیست بلکه در این صورت باید دو ثلث ایران را جریمه بگیریم و جریمه

را پس بدهند در صورتیکه بایک خمس اجازه نداشتند که آنها خودداری بکنند حتی پارسال اجازه داده شد برای يك سدس بود و يك خمس نبود حالا آوردیم باین تا يك خمس حالا که میگوئیم خمس را قبول کردیم پس برگردیم در امسال هر کس در تمام ایران مالیاتش را نداده جریمه تعلق نگیرد این اگر موارد استثنائی دارد میدانید بطوری جنس تنزل کرده که يك ثلث قیمت شده یا نصف شده و بنده در این مورد حرفی ندارم (جمشیدی - همینطور است) اگر هست همچو چیزی من حرفی ندارم (جمشیدی - در مازندران) عرض کردم در يك موارد استثنائی که بطور فاحش تنزل کرده باشد که واقعاً منطقی و عدالتاً آدم فکر کرده است که برای آن قسط اول و دومش هم اسباب زحمت می شد اگر يك چنین چیزی باشد این را می شود همچو قیدی کرد اما بایک خمس تفاوت که مردم نمیدانستند مردم اصفهان، یزد شیراز که نمیدانستند ما میخواستیم يك همچو قانونی را بیاوریم و او تکلیف قانونیش این بوده که نصف اگر فرق میکرد باید بدهد و يك همچو قانونی نبود (جمشیدی و دکتر سنگ - مردم منتظر این قانون بودند) اگر هم هم منتظر بودند برای این بود که فرق فاحشی کرده است و در مازندران و گیلان بوده که فرق فاحشی کرده.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

امیر تیمور کلالی - اجازه بفرمائید يك قدری صحبت بشود.

افسر - مخالفم با کفایت مذاکرات.

رئیس - بفرمائید.

افسر - در کفایت مذاکرات عرض کنم یا در اصل مطلب

رئیس - دلیلان را بفرمائید که چرا کافی نیست.

افسر - البته بطور کلی که این قانون نسبت به قانون سابق بهتر است و باید فکر اجرائیش را هم کرد که باشکالی بر نخورد چون بعضی چیزها در این قانون ندارد و باید در نظامنامه بنویسند (کلالی - نظامنامه ندارد) خودشان مینویسند و این جا نوشته وزارت مالیه مجاز است و البته يك اجازه که وزارت مالیه دارد وقتی

که جنس تنزل میکند در نقاط مختلفه باید شکایت کرد بوزارت مالیه که وزارت مالیه دستور بدهد یا این که خیر این جا مالیه که نوشته شده عموم مالیه‌ها است؟ یعنی اگر بنده دیدم در يك جا جنس تنزل کرد به مأمور مالیه آن جا باید مراجعه کنم یا این که بمالیه مشهد یا این که بمکر باید شکایت کنم بوزارتخانه و وزارتخانه تحقیق کند مدتی طول میکشد جریانها یا اینکه با اجازه داده اند بمأمور مالیه اجازه داده اند که وقتی باو بگویند تحقیق کند و بعد نرخ عادله را معین کند این کار بچه ترتیب انجام میشود اگر این را در قانون توضیح بفرمایند بنده عرضی ندارم و الا يك اشاره بفرمایند بجهت این که با اختیار بدست مأمور مالیه است یا لااقل مثل این که ممیزین معین کردند یا تسعیر جنس را که به تصدیق دوفتر از معتمدین محل معین کردند مرجع این کار را معین کنید که پیشکار مالیه یا همان کمیسیون که دوفتر از معتمدین محل باشند باید معین شود که به دفاتر بلدیّه و اداره خبازخانه یا دفاتر تجارتنی رجوع کنند این يك چیزی است که باید معین شود و همه جا را نباید يك جور در نظر گرفت ممکن است پیش بینی کرد رجوع شود بداره خبازخانه ولی ولایات کوچک این جاها را ندارد باید يك ترتیبی قرار داد که مطلب کاملاً معلوم شود که اولاً جنس نرخش کم شد حالا اگر گران شد که خود مالیه مدعی است و درست میکند ولی وقتیکه تنزل کرد و باید از فاقی نسبت به تسعیر بشود این را باید بکجا شکایت کرد اگر باید بمالیه هم شکایت کرد و محتاج نباشد که باین جا شکایت شود این بهتر است بعدهم تعیین نرخ بچه طریقی است معین کنید یا بوسیله بلدیّه‌ها یا وسایل دیگر که معلوم باشد و اختلاف نظر بین مؤدیان مالیاتی و مالیه ایالتی و مالیه های محلی کمتر پیش بیاید خوب بلدیّه باز يك فاصله است بین رعایا و مالیه ولی اگر این را معین نکنند و همینطور ناتمام بگذارند بنظر بنده خیلی اسباب اشکال می شود که باید یکی یکی گرفتار شوند و شکایت کنند تا وزارت مالیه معین کند و بنظر بنده اگر حالا معین کنید این دو مطلب را بهتر است.

موافق با استدلالات مقدمه این لایحه است و اگر آقای وزیر مالیه موافقت بفرمایند و اگر تصور کنند که این نظر نباشد لابد توضیحاتی خواهند فرمود.

وزیر مالیه - این فورمول معمولی مجاز است در همه جا (نه تنها در مملکت ما) در قوانین می آید برای این که دولت میخواهد از مجلس اجازه بگیرد که اینکار را بکند مگر اینکه طرح قانونی باشد که آنجا مجلس دولت را مکلف میکند ولی وقتی که خود دولت میخواهد بکند اجازه از مجلس میگیرد البته میخواهد بکند که اینکار را میکند اما در قسمت اولش صلاح این است که مجاز است باشد برای اینکه تبدیل بنقدی را الان دولت قصد دارد عزم و تصمیم دارد که در همه جا عملی بکند ولی اگر در یکی دو نقطه این طور بشود که تبدیل به نقدی نشود مجاز است باشد بهتر است و هیچ عیبی ندارد ولی در قسمت دوم قصد ما این است که حتماً بکنند مکلف است هم بنویسید بنده حرفی ندارم اما در مسئله جریمه دو باره تکرار میکنیم که هر تقاضای عادلانه و منصفانه را البته حاضریم قبول کنم منظورم این است يك تقاضائی که باصل حکمت لایحه سکته وارد نیاید بدیهی است که آن تقاضا را بنده خودم قبول میکنم و الا اصل لایحه را مختل میکند و بنده مجبور میشوم که لایحه را پس بگیرم یعنی اگر تقاضای غیر منصفانه باشد و اما در مسئله جریمه دادن خوبست بنظر بنده آقایان در ضمن این مطلب را تکرار فرمایند که مربوط به جنس است مالیات دادن این اصل را بنده نمیتوانم قبول کنم ولو در عالم بحث اگر چه يك جائی هم نمیتوسید اما در عالم بحث هم که هر یکی از آقایان بفرمایند این را بنده عرض میکنم نمیشود برای اینکه این مالیات نمیشود دیگر هر کس آن مالیاتی که باید بدهد مثلاً مالیات بر تجار طبقه اول و دوم تجار است هر تاجری میاید میگوید که امسال تجارت ما کاری نشده است پس ما مالیات نگیریم این نمیشود مالیات ثابت است بکوقت هم ضرر میشود این را باید تفکیک کرد ولی در مسئله جریمه دو باره تکرار میکنم اگر این تنزل

فاحش بطوری است که حتی در آن سه قسط اول هم که داده اند زحمت وارد میشود یعنی بعد از این قانون معلوم میشود که آن سه قسطش را هم نباید بدهد بنده حرفی ندارم ولی اگر نباشد که باید پنج قسط را بدهد و از قسط ششم هم نصفش را بدهد بقیش را بدهد این دلیلی ندارد که همه اش را ندهد بعلاوه همه آقایان میدانند که این قانون در نتیجه شکایت اهالی مازندران و گیلان درست شده از دکانی هم که آنجا نشسته بخیاالش نمیرسید که مالیک خمس مالیاتش را خیال داریم تخفیف بدهیم که مالیاتش را ندهد.

کلالی - اجازه میفرمائید.

رئیس - پیشنهاد است.

کلالی - بنده هم اجازه میخواهم در ماده صحبت کنم

رئیس - نمیشود مذاکره در ماده کافی شده است

کلالی - بنده هم پیشنهاد میکنم.

شریعت زاده - آقای وزیر مالیه از فرمایشاتش معلوم شد که اجرا خواهند کرد این نظر را و موافقت کردند که کلمه مکلف است را هم حرفی ندارند بنابراین بنده استرداد میکنم.

رئیس - آقای جمشیدی پیشنهادی کرده اند.

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

بنده پیشنهاد میکنم بماده واحده این جمله را اضافه کنید جرایمی که از بابت تأخیر اقساط تا کنون در حال جاری اخذ شده از بابت اصل مالیات محسوب شود.

جمشیدی - آقای وزیر مالیه فرمودند که مطابق قانون مالیات ممیزی مؤدیان مالیات باید اقساط خودشان را در مواعیدی که وزارت مالیه تعیین کرده است بپردازند و اگر نپرداختند باید جریمه بدهند بنده عرض میکنم همه کس میدانند در مازندران شلتوک شالی دوازده هزار است وزارت مالیه مطابق تسعیر کمیسیون سی و چهار هزار میگردد دوازده هزار باسی و چهار هزار تفاوت فاحش دارد و باین جهت در ابتدای امر در اول محصول تمام اهالی مازندران و گیلان شکایت کردند که ما نمیتوانیم مطابق

نرخ امروزه این مالیات را بدهیم و از طرف مقامات مربوطه باینها وعده داده شد که يك همچو لایحه به مجلس می آید و اسباب ترفیه حال آنها خواهد شد مردم از یکطرف بجهت اینکه واقعا پول نداشتند امروزه در مازندران و گیلان هرکسی درست دقت کند می بیند که وضعیت بی پولیشان بچه حال رسیده است از یکطرف پول نداشتند که بدهند و از یکطرف باطمینان دولت یکقدری مالیات خودشان را تأخیر انداختند ولی مالیه سر ماه که شد از اول شهریور فشار آورده قسط گرفت هم جریمه گرفت ماهم فعلاً تقاضای این است که آن جرایمی که تا کنون گرفته شده در هذمه السنه این را از بابت مالیاتی که باید بپردازند محسوب شود و گمان میکنم همینطوری که آقای وزیر مالیه فرمودند این يك تقاضای غیر عادلانه نیست که ما میکنیم زیرا تفاوت خیلی است دوازده هزار کجا و سی و چهار هزار کجا؟! معهنا ممکن است که بنده این پیشنهاد خودم را مسترد کنم ولی این يك ضرر کلی است که باهالی مازندران و گیلان وارد میشود.

وزیر مالیه - يك مرتبه دیگر این پیشنهاد قرائت شود پیشنهاد میکنم بماده واحده این جمله را اضافه کنند جرائمی که از بابت تأخیر اقساط تاکنون در سال جاری اخذ شده از بابت اصل مالیات محسوب شود.

وزیر مالیه - البته آنچه که لازم بود عرض کنم عرض کردم اینرا بطور کلی نمیتوانم قبول کنم اگر بمفرمائید واقعا اینطور است (و البته هر چه بمفرمائید صحیح است) اگر واقعا ۳۴ ریال به دوازده ریال رسیده است این از نصف هم کمتر است نزدیک به ثلث است اگر جای دیگر هم همچو چیزی هست آقایان دیگر هم بمفرمائید متفقاً يك پیشنهادی بمفرمائید بنده حاضر قبول کنم یعنی جائی که این درجه تنزل فاحش دارد با فندری هم که بالاتر از این بود پانزده ریال هم که باشد بنده قبول دارم اما برای اینکه حکم کلی قانون را شامل این قسمت نکنیم نمیتوانم قبول کنم اگر پیشنهاد در این زمینه که عرض

میکنم باشد قبول میکنم ولی بطور کلی نمیتوانم قبول کنم ممکن است در این زمینه يك پیشنهادی بشود.

جمشیدی - بنده مسترد میدارم.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر سنک

بنده پیشنهاد میکنم جرایم مالیاتی تا تاریخ تصویب این قانون حذف شود

رئیس - بمفرمائید

دکتر سنک - الان پیشنهاد خودم را اصلاح میکنم **رئیس -** پس يك پیشنهادی هم آقای امیر تیمور

کرده اند و یکی هم آقای دکتر طاهری کرده اند میخواهیم تا آنوقت مابین همه اینها يك توافق نظری حاصل شود

پیشنهاد آقای امیر تیمور کلانی

جمله ذیل را بماده واحده پیشنهاد میکنم در نقاطی که بواسطه تنزل فاحش قیمت جنس اقساط مقرر پرداخت نشده و جریمه تعلق گرفته جرایم ماخوذه از بابت بدهی اصلی آنها محسوب میشود

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست دامت عظمة

پیشنهاد میشود در ماده واحده بعد از عبارت برداشت محصول اضافه شود: مطابق قانون متمم قانون ممیزی مصوب ۱۶ آبان ماه ۱۳۰۹

امیر تیمور - اجازه بمفرمائید

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر سنک را هم اصلاح کردند ایشان مقدم هستند منظور این است که اگر بشود توافق کنیم و الا هر کدام بنوبه خودش باید صحبت شود **دکتر طاهری -** اجازه بمفرمائید

رئیس - آن مربوط باین قضیه جاری نیست

دکتر طاهری - بنده پیشنهاد کرده ام

رئیس - رعایت نوبه شما هم میشود. آقای افسر

افسر - بنده هم موافقت با این پیشنهاد را کردم

رئیس - این پیشنهاد که ملاحظات آقایان در آن رعایت شده قرائت میشود:

رئیس - این طور نمی شود بگذارید با اصلاحاتی که توافق شده باید قرائت شود

افسر - آقای وزیر مالیه آن چیزی که موافقت فرمودند خودشان مینویسند

رئیس - موافقت کرده اند ولی عبارت باید طوری باشد که صحیح باشد مجدداً قرائت می شود توجه فرمائید:

در مواردی که تنزل قیمت جنس در هذمه السنه نصف یا بیشتر از نصف از نرخ کمیسیون باشد جرایم ماخوذه بابت مالیات محسوب خواهد شد

رئیس - آقای دکتر سنک

دکتر سنک - بنده خواستم قبلاً از آقای وزیر مالیه تشکر کنم که يك همچو لایحه را تقدیم به مجلس فرمودند و حقیقتاً يك ارفاقی نسبت باهالی مازندران و گیلان فرمودند (افسر - بهمجا) حقیقتاً بهمجا ولی این نکته را میخواستم حضور مبارکشان تذکر بدهم که راجع به تأدیه مالیات قسط بندیش اگر نظر آنان باشد

رئیس - آقا مذاکره تمام شد منحصرراً در این پیشنهاد می شود حرف زد

دکتر سنک - خواستم در این قسمت ها حرف بزنم

رئیس - آن يك باب علیحده است و الا الان چند نفر از آقایان اجازه خواسته اند

دکتر سنک - پس عرضی ندارم

رئیس - در مضمون این مسئله دیگر اشکالی نیست (گفته شد - خیر) پیشنهاد آقای دکتر طاهری را قرائت میکنیم:

پیشنهاد: بعد از عبارت برداشت محصول اضافه شود

مطابق قانون متمم قانون ممیزی مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹

رئیس - بمفرمائید

دکتر طاهری - يك نظریه را حضرت والا آقای افسر فرمودند که بعقیده بنده این نظر باید تأمین شود

مطابق قانون ممیزی کمیسیون نرخی را تعیین می کند و این بنا بود ثابت باشد که هر سال تغییر نکند و به میل اشخاص کم و زیاد نشود حالا به مقتضای اینکه جنس ترقی با

پیشنهاد میکنم در مواردی که تنزل قیمت جنس نسبت بنرخ کمیسیون بیش از نصف یا بیشتر باشد جرایم مالیاتی حذف شود - دکتر سنک - جمشیدی - دبیر

سهرابی - دکتر سمعی - معتمد سنک - افسر

وزیر مالیه - این را بنده قبول کردم آقایان هم موافقت دارند نصف یا بیشتر از نصف باشد یکی دیگر جرایم را همانطور که آقایان فرمودند از بابت مالیات حساب میکنیم

امیر تیمور - اجازه بمفرمائید بنده هم با این پیشنهاد موافقم

رئیس - آقای وثوق هم تقریباً عقیده شان همین است **وثوق -** بله

رئیس - پیشنهاد با تصحیحاتی که شده قرائت میشود اگر مورد رضای آقایان باشد رأی میگیریم:

پیشنهاد میکنم در مواردی که تنزل قیمت جنس نسبت بنرخ کمیسیون از نصف یا بیشتر کمتر باشد جرایم مالیاتی بابت مالیات محسوب شود.

بعضی از نمایندگان - نصف یا بیشتر از چه چیز

وزیر مالیه - خوبست آقای مؤید احمدی خودشان این قسمت را اصلاح بمفرمائید

رئیس - آقای وزیر مالیه اصلاح را توجه بمفرمائید در مواردی که تنزل قیمت جنس نصف یا بیشتر از نرخ کمیسیون باشد جرایم ماخوذه بابت مالیات محسوب میشود

وزیر مالیه - هذمه السنه هم باید اضافه شود

امیر تیمور - اگر اجازه بمفرمائید در نقاط هم بجای موارد نوشته شود بهتر است

وزیر مالیه - هر دو يك مطلب است

رئیس - وقتی معهود باشد لازم نیست آقا يك بار دیگر هم التفات بمفرمائید خوانده می شود:

در هذمه السنه در مواردی که تنزل قیمت جنس نصف یا بیشتر از نرخ کمیسیون باشد جرایم ماخوذه بابت مالیات محسوب خواهد شد

امیر تیمور کلانی - نصف یا بیشتر از نصف اصلاح بمفرمائید

تنزل میکند و ممکن است که گاهی دولت مغبون شود گاهی مؤدی مالیات این لایحه را آورده‌اند برای اصلاح این موضوع و این کار عادلانه است یعنی مطابق اینکه یکسال یکجا اجناس تنزل میکند مثل گیلان و مازندران باید تخفیف بگیرد و یک قسمت هائی جنس ترقی میکند مثل سایر قسمت‌های مملکت که امسال ترقی کرد (افسر- جنوب) ولیکن حالا در قسمت دوم که مینویسد اگر چنانچه از یک خمس یا بیشتر تنزل یا ترقی کرد بایستی دو دفعه تسعیر بشود نوشته است که چطور تسعیر بکنند همینطور که گفته اگر چنانچه این تسعیر بدست مأمور مالیه باشد این هر روز اسباب اختلاف می‌شود او میگوید گران شد او میگوید ارزان شد این بود که بنده پیشنهاد کردم که این تسعیر ثانوی مطابق قانون میزنی باشد یعنی بانصدیق چند نفر که معین باشد. این نرخ ثانوی که معین شد اختلافی درش نباشد والا تسعیر کمیسیون چه نتیجه دارد بیشکار مالیه هر سال میگوید امسال گران شده باید زیاد بگیرند مؤدی میگوید ارزان شده تخفیف بدهید و این بعقیده بنده پیشنهادی است که مطابق منظور دولت هم باید همینطور باشد که چون نمی‌شود نرخ کمیسیون را بهم زد یعنی آن اساس کمیسیون را نمی‌خواهیم بهم بزنیم اگر بخواهیم کم و زیاد کنیم باید روی یک مدرک و مأخذی باشد نه اینکه هر سال مؤدی بیاید بگوید آقا قیمت کم شده و مأمور مالیه بگوید آقا قیمت زیاد شده اگر اختلافی پیدا شد باید تسعیر برطبق همان قانون میزنی باشد.

وزیر مالیه - پیشنهادی را که آقا کرده اند خلاصه مفادش این می‌شود که هر سال در تمام ایران در هر نقطه کمیسیون دوباره درست شود و این اسباب اشکال می‌شود بطوری که الا آن بنده عرض می‌کنم این جریان که همیشه بود صد سال بود که همه ساله مأمورین مالیه جنس را تسعیر می‌کردند این بسیار اسباب اشکال می‌شود این جریان معمولی امور که صد سال هم بود مأمورین مالیه در همه جا بامؤدیان جنس را تسعیر میکردند و شکایتی نبود این چیزها این تعیدات زیاد که جریان معمولی و عادی امور را که مأمورین دولت میکنند باید تحت کنترل و

نظارت بیاورند در مواردی است که کار مربوط بیک چیزی باشد که محسوس نیست اینجا می‌گوید فلان آدم می‌گوید من مریضم آن دیگری می‌گوید مریضم نیستی می‌گوید باید تصدیق طبیب باوری ولی در این قسمت که در فلانجا نرخ بالا رفته دیگر چند نفر اشخاص معتمد و اهل محل بایند بنشینند که این قسمت درست است این اقتضا ندارد اگر مأمور مالیه در یکجائی که گندم یا نرزد تومان است بگوید ده تومان است اگر همچو چیزی اتفاق بیفتد بمرکز شکایت بکنند و بوزارت مالیه شکایت بکنند آخرش هم که مجلس هست اینجا می‌گویند که آقا شما چطور این حرف را زده‌اید در رشت که تا اینجا دو روز راه است یک مأمور مالیه آمده است دو برابر قیمت کرده است یا نصف همچو چیزی غیر ممکن است حتی یک قرانش هم قبولش مشکل است اینکه کمیسیون برقرار می‌شود و نرخ تعیین میکند برای این است که از حالا تا پنجاه سال مالیات را معین کند که باید یک کمیسویی بنشیند و دقت کند و عمده کمیسیون برای رجوع به پنجسال قبل بود حتی برای سال جاریش هم نبود برای این بود که در پنجسال قبل اختلاف زیادی پیدا می‌شود همانطوری که آقای افسر فرمودند که به علاف رجوع میکنند و فلان کنند همه اشخاص جمع می‌شوند بلدی جمع می‌شود دفتر دارند معتمدین محل و دفتر تجارت هست والا این را در هر موقع مأمورین مالیه بخواهند جلسه و کمیسیون درست کنند این خیلی اسباب زحمت می‌شود هر وقت هر شکایتی شد آقایان فرمایند در هر یک موردی مأمور مالیه قبول نکرد قیمت معمول بازار را بنده مقش مخصوص بفرستم به پشم چرا قبول نکرده

رئیس - (خطاب با آقای دکتر طاهری) پیشنهادتان را دنبال میکند یا باشد؟

دکتر طاهری - بنده مسترد میدارم.

رئیس - قبل از این که رفقا بیرون بروند یک تذکر کوچکی بدهم یکی دو نفر از رفقا بمن ملامت میکنند که این لایحه آقای یاسائی راجع به اوزان و مقادیر چندین روز جزو دستور بوده است و همیشه متروک مانده است راست می‌گویند این تذکر کاملاً بمورد

بوده و حق بانذکر دهنده است آقای وزیر امور خارجه هم يك کار کوچکی بمن تذکر دادند که یکی دود ققه کار دارد. از رفقا خواهش می‌کنم برای اینکه ما ملوم واقع نشویم این کارها را بگذاریم. آقایانی که موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد. یکبار دیگر قرائت میکنم: وزارت مالیه مجاز است که مالیات جنس تقاطی را که برطبق ماده اول قانون متمم میزنی مصوبه ۱۲ آبانماه ۱۳۰۹ تبدیل بقدی نموده است نیز بر ترتیب مقرر در قانون مذکور تا آخر سال ۱۳۱۲ تبدیل بقدی نماید و نیز مجاز است در مواردی که نرخ متوسط عادلانه جنس در ماده سوم بعد از برداشت محصول يك خمس یا بیشتر از نرخهایی که مطابق قانون مذکور در فوق و یا این قانون بوسیله کمیسیونها تعیین شده است تعدد شد ترقی یا تنزل نماید جنس مالیاتی را بنرخ متوسطه عادلانه در ماه سوم بعد از برداشت محصول تسعیر و تقدی دریافت نماید قسمتی از ماده اول قانون متمم قانون میزنی و بصره يك ماده مزبوره که مربوط باین قانون است از تاریخ تصویب این قانون ملغی خواهد بود. در هذه السنه در مواردی که قیمت جنس نسبت بنرخ کمیسیون نصف یا بیشتر از نصف تنزل نموده باشد جرائمی که تا تصویب این قانون اخذ شده بابت مالیات هذه السنه محسوب خواهد شد

رئیس - اشکالی نیست (گفته شد - خیر) موافقین ورقه سفید خواهند داد

(اخذ واستخراج آراء بعمل آمده ۷۴ ورقه سفید تعداد شد) **رئیس** - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۸۵ با کثرت ۷۴ رای تصویب شد

۸- شور اول لایحه الحاق دولت ایران بقرارداد بین المللی منع استعمال گوگرد سفید

رئیس - خبر کمیسیون امور خارجه راجع به الحاق دولت ایران بقرارداد بین المللی منع استعمال گوگرد سفید مطرح است.

خبر کمیسیون

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۲۹ آذرماه ۱۳۱۱ لایحه نمره (۱۱۸۶۳ ر ۵۶۳) دولت راجع بالحاق دولت ایران بقرارداد بین المللی منع استعمال گوگرد سفید در ساخت کبریت را باحضور آقای وزیر امور خارجه مطرح نموده و عین ماده واحده پیشنهادی دولت را تصویب نموده اینک خبر آن را برای شور اول تقدیم مینماید:

ماده واحده - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد که الحاق ایران بقرارداد بین المللی منع استعمال گوگرد سفید در ساخت کبریت که در ۲۶ سپتامبر ۱۹۰۶ (۹ میزان ۱۲۸۵) در برن بامضاء رسیده اعلام نموده و سند الحاق را تسلیم دفتر بین المللی مشاغل نماید.

رئیس - آقای افسر نظری دارید؟

افسر - موافقم

رئیس - آقایانی که باورود در شور دوم این لایحه موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد

۹- شور دوم لایحه اوزان و مقادیر

رئیس - خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع به لایحه اوزان و مقادیر مطرح است.

خبر کمیسیون

کمیسیون اقتصاد ملی باحضور آقای رئیس محترم اداره

- آقایان: آقاییان - ابقوانی - اعبار - دکتر سنگ - دربانی - حیدری - اقبال - ایزدی - ناصری - ارگانی - طهرانچی - بهبهانی - وهابزاده - نعلانی - معتمد - سنگ - محمدعلی میرزا دولتشاهی - فتحعلی خان مختیار - محمدتقیخان اسعد - مصدق جهانشاهی - فهیمی - شرفی - دکتر امیر اعلم - دهستانی - آخوند یار علی - لاریجانی - میرزا سید مهدیخان قاضی - دبیر سهرانی - دکتر ملک زاده - دبستانی کرمانی - روحی - حسینقلی خان نواب - دکتر شیخ - معمودی - دادور - مؤید احمدی - سید کاظم یزدی - میرزا محمد حسین نواب - حاج میرزا حسین خان قاضی - مخیر فرمند - خواجوی - حاج میرزا حسنخان اسفندیاری - دکتر احتشام - میرزا محمد علیخان نوبت - حبیبی - رضا قلیخان باستانی - شریعت زاده - دکتر ضیائی - افسر - مقدم - سهرابخان ساکینان - امیر - حبیبخان بختیاری - امیر عامری - پوشهری - افخمی - مفتی - امیر تیمور - دکتر سمعی - طالش خان - مژدهی - طباطبائی دیا - آسف - ملک زاده آملی - چشمیدی - مجد ضیائی - میرزا لایس - مهدی - احتشامزاده - مولوی - مسعودنابتی - معتضدی - قنوجی - فرش - علیخان اعظم زنگنه - اسکندری - ابوالحسنخان بیرنا

کل تجارت تشکیل و لایحه نمره (۱۶۱۵۴ تا ۱۲۸۸) دولت راجع بتوحید اوزان و مقیاس های مملکتی را برای شورائی مطرح نموده و پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را هم که در موقع شور اول تقدیم کرده بودند مورد شور و مذاقه قرار داده و در نتیجه مواد ذیل را تنظیم نموده و اینک خبر آنرا برای تصویب تقدیم ساحت مقدس مجلس شورای ملی مینمایند:

ماده اول - اوزان و مقیاس های رسمی ایران بقرار ذیل است:

مقیاس وزن

واحد مقیاس - من = سه کیلو

اجزاء

سنگ = يك دهم من (۳۰۰ گرم)
پار سنگ = يك صدم من (۳۰ گرم)
درم = يك هزارم من (۳ گرم)

دسی گرم

سانتی گرم

میلی گرم

قیراط = ۲ دسی گرم

اضعاف: خروار = صد من (۳۰۰ کیلو)

مقیاس طول

واحد مقیاس - متر

اجزاء

دسی متر = يك دهم متر = کیلومتر = هزار متر
سانتی متر = يك صدم متر = فرسنگ = شش کیلومتر
میلی متر = يك هزارم متر

مقیاس سطح

واحد مقیاس - متر مربع

اجزاء

دسی متر مربع
سانتی متر مربع
میلی متر مربع
جریب = یک هزار متر مربع
هکتار = ده جریب

مخالف و مغایر با آن خبر است و حتی پیشنهاداتی هم که آقایان فرمودند ظاهراً آن زمینه را قبول داشتند منتهی يك پیشنهادات دیگری از طرف آقایان تقدیم شد و طبع و توزیع شد و بنده فهمیدم اساساً عدول از آن ترتیب اولی چه بود. و آن ترتیب عیش چه بود و حسن این چیست این اولاً و ثانیاً بنده عقیده ام این است که همان طور که بعضی آقایان عقیده داشتند و پیشنهاد کردند عوض سه کیلار واحد مقیاس را چهار کیلو قرار بدهند. در بعضی ایالات و ولایات مثلاً آذربایجان هزار مثقال معمول است اگر این ترتیب باشد در تمام مملکت ششصد و چند مثقال می شود که همان من سابق است و یک قدری از وزن معمولی کمتر شده است و حقیقتاً برای خریدار موجب خیلی خسران است یعنی هزار مثقال را سابقاً دو قران میداد حالا باید ششصد و چهل مثقال را در آذربایجان بعد از این قانون همان دو قران این برای خریدار در بعضی ولایات مخصوصاً در آذربایجان اسباب زحمت است اینهم یکی. یکی هم اینجا سنگ و یازسنگ نوشته است یازسنگ آنچه معمول است اصطلاحش غیر از این است و من نمیدانم که چرا این را نوشته اند یازسنگ. ترازو کلیتاً دو کفه دارد وقتی یکی سنگ شد یکی سنگین يك سنگ آن طرف میگذارند که آنرا یازسنگ میگویند حالا اینجا بچه مناسب یازسنگ گفته اند بنده نمیدانم یکی هم راجع باین تبصره که نوشته شده در ماده اول: دولت می تواند لدی الاقضاء براساس مقیاسهای فوق وزنه های دیگری تهیه نموده و در دسترس عموم بگذارد. بنده این ترتیب را اساساً در قوانین معتقد نیستم که در قانون می نویسند دولت لدی الاقضاء این کار را بکند ممکن است اقتضاء بکند ممکن است اقتضاء نکند اینکه در قانون دولت را مجاز بکنند باین ترتیب اساساً موضوع ندارد معنی ندارد که وزنه های دیگری تهیه کند غیر از این وزنه ها خوب است این را توضیح بدهند که اینها است. و همچنین ماده دوم طرز تهیه اوزان و مقیاسهای مقرر در این قانون الی آخر باز در تبصره همین ماده دوم نوشته می شود که دولت می تواند

لدی الاقضاء برای اصلاح قیان و ترازو مقرراتی وضع نماید. این را بنده فهمیدم در قانون دولت را مجاز کردن که يك مقرراتی وضع نماید و لویانکه مخالف این قانون باشد وضع کند یعنی چه؟ خوبست مخبر کمیسیون یار رئیس کل تجارت يك توضیحاتی در این باب بدهند که بنده عقیده ام این است که مخصوصاً از این دو تبصره ماده اول و دوم این لدی الاقضاء خوبست برداشته شود و يك عبارت دیگری جایش گذارده شود.

رئیس - آقای درجی موافقت می کنید؟

روحی - خیر مخالفم

رئیس - آقای درخشند

رهنما - مخالفم

رئیس کل تجارت (آقای باستانی) - عرض میشود همان طوری که آقای طباطبائی فرمودند این راپورت ثانوی کمیسیون با آن راپورت اولی موافق نیست البته برای آن مذاکراتی بود که در فراکسیون شد و با پیشنهادی که آقای فهیمی کردند موافقت حاصل شد و باینصورت درآمد تفاوتی که این راپورت با راپورت قبلی و لایحه دولت و قانون فعلی که در نظر است ملغی شود دارد این است که قانون فعلی اساساً بطور کامل سیستم متریک را مقرر میدارد و در عمل هم این طور بنظر میاید که اجرای آن آسان نیست و مشکل است. در مجلس شورای ملی در ماده مطالعاتی شد و موافقت شد که عجلاناً يك حد معتدل و متوسطی انتخاب شود برای اجرای اوزان مقادیر نادر آتیه که مردم مأوس شدند ممکن است کاملاً سیستم متریک اجرا شود. مقیاس طول کاملاً طبق سیستم متریک است. مقیاس وزن از گرم و اجزاء گرم مطابق سیستم متریک است برای اینکه در جاهایی که مورد احتیاج است مثل دوآخانه و اطباء همه مأوسند. راجع بمافوق گرم آنچه که زائد گرم است چون در معاملات و تجارت يك اشکالانی تولید می شد و ممکن نبود باین آسانی اجرا کنیم در نظر گرفته شد که وضعیت فعلی ملحوظ شود منتهی به تقسیم اعشار. این است که وزن من تبریز محفوظ مانده است بانک تفاوت مختصری و تمام مملکت هم مأوسند به من تبریز. اگر ما می خواستیم منی که در آذربایجان (که گویا

هزار مثقال است) معمول است بگیریم آنوقت درخراسان ملتفت نمی شدند و من تبریز در تمام مملکت معمول و مأوسند و جزو اوزان محلی است و اصطلاحشان است بنابراین این معادل گرفته شده است با سه کیلو تا در آتیه تبدیلیش به سیستم متریک ممکن باشد. این که فرمودند در تبصره نوشته دولت می تواند لایحه اقتضاء يك اوزانی تهیه کند همینطور است برای اینکه مقصود این است بمرور زمان به سیستم متریک آشنا شویم و مردم باین اوزان و کیلو خورده خورده و بمرور مأوس و آشنا شوند تا در ظرف هفت هشت سال ده سال کاملاً اصول سیستم متریک اجرا شود. این بهتر است. این فکری که برای بعضی از آقایان پیش آمده است که من را معادل چهار کیلو بگیریم این با من فعلی خیلی فرق دارد. ولی من تبریز با کیلو چندان فرقی ندارد شاید چهار پنج مثقال فرق دارد (یکی از نمایندگان - بلکه بیشتر) تفاوتش خیلی زیاد نیست. تقریباً قریب پنجاه گرام فرق میکند. ولی اگر بخواهیم من را معادل چهار کیلو بگیریم خیلی فرق میکند. مقصود ما این است که وضعیت فعلی را حفظ کنیم و مردم را بزحمت نیندازیم. منتهی يك تناسب اعشاریهم در کار باشد در قسمت پارسنگ که فرمودید. ابتدا نظر این بود که بجای سنگ سیر و بجای درم مثقال باشد در کمیسیون مناقشه شد که باز اشتباه می شود - دو سیر قدیم و دو سیر جدید. سیر قانونی، سیر غیر قانونی. و بالاخره يك شبهاتی تولید می شود. گفته شد حالا که تغییر میکند مقتضی است يك لغت تازه وضع شود. گفتند چون اجزاء من است کوچکترش پارسنگ باشد حالا اگر آقایان نظر و اعتراضی دارند ممکن است اصطلاحی پیشنهاد کنند

افسر - نخیر.

رئیس - آقای روحی.

روحی - عرض کنم ثابت شده است یکی از اصول وطن پرستی حفظ زبان است. خیلی از ملل دنیا هستند که در يك مملکتی زندگی میکنند ولی وقتی که میرسید می بینید که این ها ملل مختلفه بوده اند ولی در اثر وحدت زبان امروزه يك ملت واحد شناخته می شوند. و بواسطه حفظ زبان حفظ ملیت خودشان را کرده اند. قبلاً يك

منسوخ شده و مأوس نیستیم. همین دینار الان در اصفهان اجزای من دانا را میگویند مثل سیر. يك وقت سیر را کشیدند بعد يك اندازه شد. يك وقت نخود را کشیدند و يك اندازه شد. يك وقت هم يك اناری را کشیدند و يك اندازه با آن درست شد. بعد آن را مخففش کردند دینار کردند و بعد ده نار کردند و بالاخره يك تصرفی در آن نمودند و شد دینار و در مورد پول استعمال کردند. ولی حالا نیم سیر و نیم گز یا متر فرق دارد. بنده هم موافقم که مردم به گز مأوسند. ولی متر از ذرع قدری کمتر است برای این که مردم در معاملاتشان مضنون نشوند گفته شد همان متر که الان هم هست گذارده شود و يك چیزی نیست که اشتباه شود. بنده يك وقتی عضو کمیسیون بودم که خوب یادم است که همین لغات را محل انتقاد قرار دادیم و بعد در خبری که به مجلس تقدیم کردیم در ابتدای آن نوشتیم «راپورت کمیسیون بودجه» بعد دیدیم هر سه این لغت فرانسه است راپورت. کمیسیون بودجه. فارسی ما این جور شده است. مالفت فرانسه خیلی داریم عربی هم همینطور است زیاد در لغت هست کمیابنغی امروز جزو لغت مالست. مجلس شورای ملی را من امروز بهتر می فهمم تا کنگارستان. شاید محل تفر هم باشد باین که فارسی است. این طور چیزها بنظر بنده اشکالی ندارد.

رئیس - آقای رهنما

رهنما - در کفایت مذاکرات صحبت کنم یا در اصل مطلب.

رئیس - مطالبه تا را بفرمائید.

رهنما - بنده يك قسمت از عرایض را در موقعیکه این لایحه مطرح بود در شور اول عرض کردم فعلاً بنده نه در موضوع کلمات و لغات این لایحه که آقای روحی فرمودند و دلالتی هم داشتند عرضی دارم و نه آن قسمت هایی که آقای طباطبائی دنیا فرمودند که يك سنگ را چهار گرام باید کرد. این ها را البته خود آقایان تذکر دادند و مجلس قضاوت خواهد کرد. بنده در اصل قضیه باز عرض میکنم. این خبر از خبر اولی

کامل تر شده و با اصول سیستم متریک نزدیک تر شده هم مقیاس طولش هم مقیاس سطحش و هم مقیاس حجمش ولی در قسمت وزن را بهمان ترتیب نگاه داشته اند بنده می خواستم از آقای یاسائی و از مخبر کمیسیون استدعا کنم که در این کار يك قدمی که بر میدارند طوری باشد که این قدم واقعاً صحیح و اساسی باشد مایک زبانی را که تحصیل میکنیم اگر نباشد روز اول تلفظ و طرز معنای او را بد یاد گرفتیم این همینطور میماند و بعد نمی توانیم اصلاحش بکنیم امروز ما زحمت میکشیم و يك قانون سیستم متریک را بطرز ناصحیحی بدست مردم میدهیم يك چیزهایی که بلد نیستند و ادار میکنیم یاد بگیرند آنوقت تازه آن قسمتی که یاد گرفته اند غلط است و صحیح نیست. در این جا بنده از مخبر کمیسیون استدعا کردم. بنده نظری ندارم البته هر طور مجلس شورای ملی رأی بدهد. به خود آقای یاسائی هم که علاقه مندند البته نظر دارند گفتیم آقا بگذارید قسمت مقیاس وزن هم مثل آن قسمت دیگر صحیح شود فرمودند چون سنگ معمول به و متداول است هیئت دولت فحواسته اند در این قسمت که معمول به اذهان است خیلی تصرف کنند. اگر چه سنگ فعلاً سصد گرام نیست فعلاً يك من مساوی است با ۲۹۴۵ گرم مطابق گمرک و دوهزار نهصد و هفتاد گرام معمول. بنده از ایشان سؤال کردم پارسنگ حالا معمول است درم و گرام، ساتی گرام و این ها معمول است فرمودند نه (یکی از نمایندگان - بلی) پیش يك عده اما پیش طبقه مردم آن علاف حسابی را که شما کرده اید نمی فهمد. بنده خواستم استدعا کنم آقایان يك توجهی بفرمایند که این قسمت را هم مثل سایر قسمت ها يك ترتیبی بکنند که حتی المقدور صحیح باشد (یکی از نمایندگان - پیشنهاد کنید) بنده حالا پیشنهادی ندارم. فقط يك فرمولی ممکن است پیدا شود و آن این است که این قسمت را از آقای یاسائی که زحمت کشیده اند برای این قانون استدعا کنیم که يك ترتیبی کنند در کمیسیون. يك اشخاصی هم مثل آقای روحی یا آقای تربیت یادگیری اشخاصی که ممکن است

در این قسمت اظهار نظر بکنند و میل هم دارند و وقت هم دارند و حاضرند کمک کنند تشریف بیاورند در آنجا این مرحله را هم درست کنند. اگر مجلس شورا ملی موافقت میکند باین موضوع که خوب و گرنه بنده عرایض خودم را کرده‌ام و البته آقایان هم رأی خواهند داد. دیگر بسته به میل خودتان است (صحیح است)

رئیس - آقای فهیمی موافقت

فهیمی - بلی

رئیس - بفرمائید

فهیمی (رئیس کمیسیون اقتصاد ملی) بنده باین کلمات سینه نخواستم فرمایشات آقای رهنما بی جواب بماند. عرض میکنم این راپورت ثانوی خیلی سهل تر کرده است کار را برای رسیدن باین مقصود تا آن راپورت اول. زیرا که آما و عمل با هم فرق تفاوت دارد. ما آرزو داریم (آقایانهم دارند) که مجلس شورای ملی سیستم متریک را بطور اکمل و صحیح مجری کند ولی تنها آما کافی نیست. اگر بازور می شد با آن لایحه که پنج شش سال قبل تصویب شد می شد ولی ما خواستیم طوری بکنیم که این مقصود عملی شود در قسمت واحد طول و حجم مخالفتی نیست عیناً سیستم متریک است. مسئله بر سر واحد مقیاس وزن است. اولاً مقیاسی که فعلاً در مملکت موجود است من است بطوری که آقایان اطلاع دارند دویمت سیصد جور من مختلف هست که یکی از آن من ها که من تبریز است وزن مشترک است و آن مطابق است باشصعد و چهل مثقال. و البته در هر محلی يك من علیحده دارد اول قدمی که ما بر میداریم این است که این من های مختلف را موقوف کردیم و همان من ۶۴۰ مثقال را اساس واحد وزن قرار داده شده. حالا اگر بخواهیم آنها را کم کم دعوت کنیم که بیایند بطرف سیستم متریک باین واحدی که الآن دارند و مائوس هم هستند بهتر است و این معادل شده است با سه کیلو. یعنی اگر تا حالا چهارتا چارک می گذاشتند حالا سه کیلو بجایش می گذارند و این همان واحد است. اشتباه نکنید که بگوئید این اجزاء است. اجزاء این وزنه هم

تا يك چیزی نگذرد که فردا مثل قانونی که در ۱۳۰۴ گذشت بشود. چرا اجرا نشد؟ شش سال است که آن قانون راجع باوزان و مقادیر گذشته و همینطور بلا اجرا مانده است. برای این که عملی نیست. بازحالا يك قانونی میگذرانیم که عملی نیست. بگذارید در این موضوع صحبت کنیم. آقایان پیشنهاد بدهند. بماند برای جلسه دیگر. اگر اجازه میفرمائید بنده قدری صحبت کنم؟

جمعی از نمایندگان - جلسه دیگر

افسر - ما که همه روزه حاضریم. باشد برای جلسه دیگر.

رئیس - آقای رهنما پیشنهاد میکنند که از دستور خارج شود و بر حسب نظامنامه هم این پیشنهاد بر مذاکرات قدم دارد

رهنما - عرض کنم اولاً خواستم در این جا يك توضیحی بدهم که بعضی از رفقا که فرمودند که بنده پیشنهادی بدهم که جلسه ختم شود. منظور بنده وسایر آقایان این است که این لایحه فعلاً از دستور امروز خارج شود حالا یا جلسه را ختم کنیم یا از جلسه امروز خارج شود و برویم در کمیسیون. نتیجه این است که فعلاً از جلسه امروز خارج شود چرا؟ برای این که قضیه مهمی است. تا بحال صبر کرده ایم. سه سال در این جا مدت بوده تا لایحه درست شده به عقیده من خیلی کم نواقص دارد این را آقای یاسائی که از رفقای پارلمانی ما بوده اند ما از ایشان خواهش میکنیم این را ببرند در کمیسیون. ما هم حاضر می شویم و يك توافق نظری که اسباب آسایش مردم و رعایت احترام خود کار هم باشد بعمل آید. ما هم رأی میدهیم. این است که بنده پیشنهاد کردم از دستور این جلسه خارج شود. (صحیح است)

رئیس کل تجارت - اگر منظور عالی این است که این قسمتی که مربوط باوزان است مطابق سیستم متریک شود. این محتاج به تأخیر این لایحه نیست ولی بنده صریحاً عرض میکنم که قابل اجرا نیست. بلی سیستم متریک فعلاً در ایران قابل اجرا نیست و برای نسل آینده خوبست که بعد از مدرسه بیرون بیایند و با اصول سیستم متریک کاملاً مائوس شده اند ولی اجرای این بنظر بنده حالا صحیح نیست و غیر عملی است. مادر عین اینکه میل داریم سیستم متریک زودتر مجری شود همانطور که آقای فهیمی تذکر دادند باید يك مراحل طی راطی کرد. تا کاملاً قابل اجرا شود. بنده مخالفتی ندارم که در دستور جلسه بعد باشد ولی یا از دستور خارج شدنش مخالفم برای این که ما امتحان داریم که آقایان این جا میفرمایند ولی در موقعش به کمیسیون تشریف نمی آورند و هر مذاکره هست باید همین جا در مجلس بشود (صحیح است)

جمعی از نمایندگان - ختم جلسه.

[۱۰- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - قدر مشترك این است که ما جلسه را ختم کنیم چون آقایان زیادی هم از قبیل آقای دکتر طاهری و فرشی و آقای افسر پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود و ممکن است تا جلسه آینده تعاطی نظری هم بشود. جلسه آخر هم آخرین روزی است که ماقبل از ماه رمضان داریم بنابر این باید چهارشنبه قرار بگذاریم که روز آخر ماه است (صحیح است) اگر موافقت میفرمائید جلسه ختم شود جلسه آینده چهارشنبه هفتم دی سه ساعت قبل از ظهر دستور همین لایحه (صحیح است)

(مجلس یکساعت و ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اجازه مبادله عهدنامه مودت منعقدہ بین دولتین ایران و استونی

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری استونی را که در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۱۰ مطابق سوم اکتبر ۱۹۳۱ در مسکو باهضاه رسیده و مشتمل بر پنج ماده و یک پرئنگل اختتامیه است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آن را بدولت میدهد.

این قانون که مشتمل بر یک ماده و متن عهدنامه است در جلسه چهارم دی ماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و جمهوری استونی

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران

و

رئیس جمهوری استونی

نظر باینکه مایل هستند روابط مودت قدیمی را بین مملکتین تحکیم نمایند تصمیم بانعقاد عهدنامه مودت نموده و برای این مقصود اختیارداران خود را بقرار ذیل معین نمودند

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

جناب مستطاب اجل آقای پاکروان سفیر کبیر و نماینده فوقالعاده ایران درمسکو.

رئیس جمهوری استونی

جناب آقای ژولیوس سی یاما وزیر مختار و نماینده فوقالعاده استونی درمسکو

مشارالیهما بعد از مبادله اختیارنامه‌های خود که در کمال صحت و اعتبار بود در مواد ذیل موافقت حاصل نمودند

ماده ۱ - بین مملکت شاهنشاهی ایران و جمهوری استونی و همچنین بین اتباع دولتین صلح خلل ناپذیر و

دوستی صمیمانه و دائمی برقرار خواهد بود

ماده ۲ - دولتین متعاهدین موافقت دارند که روابط سیاسی و قسولی خود را برطبق اصول و معمول حقوق

عمومی بین المللی ادامه دهند و نیز موافقت دارند که با نمایندگان سیاسی و قسولی هر یک از

دولتین متعاهدین در خاک متعاهد دیگر همان رفتاری بعمل آید که بموجب اصل و معمول حقوق

عمومی بین المللی مقرر است و رفتار مزبور بشرط معامله متقابله بهیچ وجه نا مساعدتر از رفتاری

نخواهد بود که نسبت بنمایندگان سیاسی و قسولی دولت کاملاًالوداد معمول میگردد

ماده ۳ - دولتین متعاهدین موافقت دارند که روابط قسولی و تجاری و گمرکی و بحریمائی بین مملکتین و

نیز شرایط اقامت و توقف اتباع خود را درخاک یکدیگر بموجب قراردادهائی برطبق اصول و معمول حقوق عمومی

بین المللی و برروی اساس تساوی معامله متقابله کامل تنظیم نمایند

ماده ۴ - دولتین متعاهدین موافقت دارند کلیه اختلافاتی را که بین آنها در موضوع اجرا یا تفسیر مقررات

کلیه عهود و قراردادهائی که منعقد شده یا در آیه منعقد گردد و منجمله راجع بهمین عهدنامه بظهور برسد و

بطریق دوستانه از مجرای عادی سیاسی در مدت متناسبی تسویه نشود به حکمیت رجوع نمایند این ترتیب در صورت

لزوم برای تشخیص اینکه آیا اختلاف مربوط بتفسیر یا اجرای عهود و قراردادهای مذکوره می باشد یا نه نیز اعمال

خواهد گردید. تصمیم محکمه حکمیت برای طرفین الزام آور است برای هر قضاة متنازع فیها محکمه حکمیت بنا

بتقاضای یکی از دولتین متعاهدین و بترتیب ذیل تشکیل خواهد یافت. هر یک از دولتین متعاهدین در ظرف سه

ماه از تاریخ تسلیم تقاضانامه حکم خود را تعیین خواهد نمود. حکم مزبور از اتباع مملکت ثالثی نیز ممکن است انتخاب گردد چنانچه دولین در ظرف مدت سه ماه از تاریخ تسلیم تقاضانامه راجع بمدتی که در ظرف آن حکمین می بایستی حکم خود را صادر کنند موافقت حاصل نمایند و با هرگاه حکمین نتوانند در ظرف مدتی که برای آنها معین گردیده اختلاف را تسویه نمایند دولین يك نقر از اتباع دولت ثالثی را بعنوان حکم ثالث انتخاب خواهند نمود چنانچه دولین در ظرف مدت دو ماه از تاریخ تقاضای تعیین حکم ثالث راجع با انتخاب او موافقت حاصل نمایند دولین مذکورین مشترکاً یا در صورتیکه در ظرف مدت دو ماه بعد از آنها تقاضای مشترکی از طرف آنها بعمل نیاید هر يك از آنها که زودتر اقدام کند از رئیس دیوان دائمی داوری بین المللی لاهه تقاضا خواهد نمود حکم ثالث را از بین اتباع دول ثالثی انتخاب نماید با موافقت طرفین ممکن است صورتی از مالک ثالثی که رئیس دیوان دائمی داوری بین المللی باید حکم ثالث را منحصرأ از آنها انتخاب نماید بمشارایه تسلیم گردد طرفین می توانند راجع بشخص حکم ثالث قبلاً برای مدت معینی قراری بین خود بدهند

طرز عملی که حکمین باید اتخاذ نمایند اگر بوسیله قرار مخصوصی بین دولین معین نشده و ناموقع تعیین حکم منعقد شده باشد بر طبق ماده ۵۷ و مواد ۵۹ الی ۸۵ قرارداد لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ راجع بسویه اختلافات بین المللی فیصله خواهد یافت بشرط آنکه طرفین مقرراتی مخالف این ترتیب نداشته باشند هرگاه تعیین یک نفر حکم ثالث لازم گردد و بین دولین متعاهدین راجع بطرز عملی که بمدان تعیین حکم مزبور باید تعقیب شود قرار داده نشده باشد حکم ثالث با دو حکم اولی تشکیل محکمه حکمیت داده و طرز عمل خودشان را معین نموده اختلاف را تسویه خواهند نمود

کلیتاً تصمیمات محکمه با کثرت آراء اتخاذ خواهد گردید

ماده ۵ - این عهدنامه بر طبق قوانین اساسی هر يك از طرفین متعاهدین بتصدیق رسیده و مبادله اسناد مصدقه آن در اسرع اوقات ممکنه بعمل خواهد آمد و از تاریخ مبادله اسناد مصدقه بموقع اجرا گذارده خواهد شد بناء علیهذا نمایندگان مختار طرفین این عهدنامه را که در نسخین بزبان فرانسه نوشته شده است اضا و بهمهر خود مهور نمودند

مسکو مورخ ۳ اکتبر ۱۹۳۱

امضاء: پاکروان امضاء: ژولیوس سی یاما

در موقع امضاء عهدنامه مودت که امروز بین مملکتین ایران و جمهوری استونی منعقد گردید نمایندگان مختار امضا کننده مراتب ذیل را که جزء لاینجزای عهدنامه خواهد بود اعلام نمودند

دولتین متعاهدین حق تجدید نظر در مقررات ماده ۴ عهدنامه مودت را بعد از اقبضاء ده سال از تاریخ مبادله اسناد مصدقه عهدنامه مزبور برای خود محفوظ میدارند

مسکو ۳ اکتبر ۱۹۳۱

امضاء: پاکروان امضاء: ژولیوس سی یاما

اجازة مبادله عهدنامه مودت و یرتکل اختتامیه آن منعقد بین دولین ایران و استونی در جلسه چهارم دیماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی داده شده است رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اصلاح ماده اول قانون متمم قانون ممیزی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است که مالیات جنسی قاطبی را که بر طبق ماده اول قانون متمم قانون ممیزی مصوبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ تبدیل به نقدی نموده است بترتیب مقرر در قانون مذکور تا آخر سال ۱۳۱۲ تبدیل به نقدی نماید و نیز مجاز است در مواردی که نرخ متوسط عادلانه جنس در ماه سوم بعد از برداشت محصول يك خمس یا بیشتر از نرخهایی که مطابق قانون مذکور در فوق و یا این قانون بوسیله کمیسیونها تعیین شده یا خواهد شد ترقی یا تنزل نماید جنس مالیاتی را بنرخ متوسط عادلانه در ماه سوم بعد از برداشت محصول تسعیر و نقدی دریافت نماید قسمتی از ماده اول قانون متمم قانون ممیزی و تبصره يك ماده مزبوره که مربوط باین قانون است از تاریخ تصویب این قانون ملغی خواهد بود

تبصره - در مواردیکه تنزل قیمت جنس در هذمه السنه نصف یا بیشتر از نصف از نرخ کمیسیون باشد جرائمی که تا تصویب این قانون اخذ شده بابت مالیات هذمه السنه محسوب خواهد شد.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه چهارم دیماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر